

Analyzing the Educated Dimensions of Malik Ashtar's Personality in Nahj al-Balagha as a Model Governor and Ruler

Zeinab Rostaminasab Dolatabad*

Morad Yari Dehnavi**

Sayyid Hamid Reza 'Alavi***

Abstract

Malik Ashtar is a personage educated based on the educational doctrines of Islam in Nahj al-Balagha. The way he was educated led to his selection as one of the governors and rulers during the Imamate (leadership) of Imam Ali (A.S.). Accordingly, this study aimed at identifying the components of his educated personality in various dimensions (physical, religious, moral, political, economic, social, intellectual, and emotional). To this end, we used content analysis and semantic network. According to this method, the propositions and themes related to Malik Ashtar's personality dimensions in Nahj al-Balagha and related historical books were first identified and coded and then analyzed. The research results indicated that Malik Ashtar was educated in various educational dimensions including enjoying physical strength and health, having spiritual beliefs, commitment to righteous deeds and moral virtues, struggling with oppression, doing justice, and making effort to have unity and strength of government, paying attention to people's material welfare, cooperation and assistance, intellectualism, recognition and insight, affection and loving, and moderation. This can be an inspiration for educating competent rulers and governors in the Islamic society of Iran.

Keywords: Nahj al-Balagha, being educated, Malik Ashtar, model, ruler.

* Educator in Jiroft University, Student in Shahid Bahonar University in Kerman, PhD Student Philosophy and Education, Department of Educational Sciences, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran (Corresponding Author)/ zaynab6599@ens.uk.ac.ir.

** Associate Professor in Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran/ myaridehnavi@uk.ac.ir.

*** Professor in Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran/ hralavi@uk.ac.ir.

واکاوی ابعاد تربیت‌یافتگی شخصیت مالک اشتر در نهج‌البلاغه به مثابه یک حاکم و زمامدار الگو

زینب رستمی نسب‌دولت‌آباد*

مراد یاری دهنوی**

سیدحمیدرضا علوی***

چکیده

مالک اشتر یک شخصیت تربیت‌یافته براساس آموزه‌های تربیتی اسلام در نهج‌البلاغه می‌باشد. تربیت‌یافتگی او باعث انتخابش به عنوان یکی از حاکمان و زمامداران دوره امامت امام علی (علیه السلام) شده است. از این رو هدف این پژوهش، شناسایی مؤلفه‌های شخصیتی تربیت‌یافتگی ایشان در ابعاد مختلف (جسمانی، دینی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، عقلانی، عاطفی) می‌باشد. بدین منظور از روش پژوهش تحلیل مضمون و شبکه معانی استفاده شده است؛ طبق این روش، ابتدا گزاره‌ها و مضامین ناظر به ابعاد شخصیت مالک اشتر از کتاب نهج‌البلاغه و کتب تاریخی مرتبط، شناسایی و کدگذاری و سپس تحلیل شده‌اند. نتایج پژوهش، نشان‌دهنده شخصیت تربیت‌یافته مالک اشتر در ابعاد مختلف تربیتی، چون: برخورداری از سلامت و صلابت جسمانی، داشتن اعتقادات و باورهای معنوی، مقید به اعمال صالح و فضایل اخلاقی، ظلم‌ستیزی و عدالت و تلاش برای وحدت و استواری حکومت، توجه به رفاه مادی مردم، عامل به تعاون و همکاری، اندیشه‌ورزی، شناخت و بصیرت، عظوفت و مهربانی و اعتدال در امیال می‌باشد که این امر می‌تواند، الهام‌بخش چگونگی تربیت حاکمان و زمامداران شایسته در جامعه اسلامی-ایرانی ما باشد.

واژگان کلیدی: نهج‌البلاغه، تربیت‌یافتگی، مالک اشتر، الگو، زمامدار.

* مربی دانشگاه جیرفت، مأمور به تحصیل در دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشجوی دکتری فلسفه و تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)
zaynab6599@ens.uk.ac.ir

** دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان ایران
myaridehnavi@uk.ac.ir

*** استاد، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان ایران
hralavi@uk.ac.ir تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱ تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱/۱۵

مقدمه

زندگی نیکو در سایه دانایی صورت می‌گیرد و دانایی هم در اثر تعلیم و تربیت حاصل می‌شود. به همین علت، تعلیم و تربیت دارای قدمتی به قدمت انسان و از مهم‌ترین جنبه‌های حیاتی زندگی او محسوب می‌گردد (علوی لنگرودی، ۱۳۹۱، ص ۱). توجه به تربیت، توجه به حیاتی‌ترین مقوله انسانی است؛ زیرا همه سامان‌ها و نابسامانی‌ها، اصلاح‌ها و فسادها، سعادت‌ها و شقاوت‌ها و... به نوع تربیت باز می‌گردد؛ تربیت، بستر خوشبختی و بدبختی انسان‌ها و جوامع انسانی است. انسان موجودی است که استعداد همه‌الایی‌ها و پستی‌ها را دارد و این‌گونه شدن یا آن‌گونه گردیدن به نوع تربیت آدمی بستگی دارد «فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس، ۸-۱۰). انسان به سبب تربیت درست الهی و متخلّق به اخلاق، ربّانی می‌شود؛ و به سبب تربیت نادرست، از سیر به سوی حقیقت انسانی خود باز می‌ماند و متخلّق به اخلاق نفسانی می‌گردد. به بیان علی (علیه السلام): «عَدَمُ الْأَدَبِ سَبَبُ كُلِّ شَرٍّ»، «فقدان ادب، سبب هر شر و بدی است» (ابن ابی‌الحدید معتزلی، ۱۳۹۴، ص ۲۵۸). بنابراین، انسان همان‌گونه که می‌تواند به مرتبه پایین‌ترین موجودات و در حد چارپایان، بلکه پست‌تر سقوط کند، همچنان می‌تواند به بالاترین مقامات بشری صعود نماید، تا جایی که خلیفه الهی، انسان کامل و جام جهان‌نمای حق شود.

بنابراین تربیت صحیح، پرداختن به ضروری‌ترین امور انسان و جامعه انسانی است؛ رسالت همه پیامبران الهی، تربیت انسان‌ها بوده است. همچنان که پیامبر خاتم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) هدف از بعثتشان را این‌گونه بیان فرموده‌اند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»، «همانا من برای تکمیل فضیلت‌های اخلاقی برگزیده شده‌ام» (تهرانی، ۱۳۷۹، ص ۵۸) و شاگرد مکتب ایشان، امام علی (علیه السلام) در نامه ۴۵، کتاب شریفه نهج البلاغه، هدف تربیتی بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را چنین بیان کرده‌اند: «پس خداوند، محمد (صلی الله علیه و آله) را به راستی برانگیخت تا بندگانش را از پرستش بتان برون آرد و به عبادت او وادارد و از پیروی شیطان برهاند و به اطاعت خداوند کشاند؛ با قرآنی که معنی آن را آشکار نمود و اساسش را استوار فرمود، تا بندگان بدانند؛ بزرگی پروردگار خود را که دانای آن نبودند و بدو اقرار کنند، از پس آنکه بر انکار می‌افزودند، او را نیک بشناسند، از آن پس که خود را نا آشنا بدو می‌نمودند» (المجلسی، [بی تا]، ج ۷۷، ص ۲۶۸).

امام علی (علیه السلام) به‌عنوان ترجمان و مبین قرآن، هم او که اعلم به وحی و سنت، سیره نبوی و اسبق به ایمان و اقرب پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، بارها بر آن (الگوپذیری) تأکید کرده است، آنجا که امام علی (علیه السلام) به کمیل می‌فرماید: «ای کمیل، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را خدا تربیت کرد و آن حضرت مرا تربیت کرد و من نیز اهل ایمان را تربیت کرده و آداب پسندیده را به آنها یاد می‌دهم» (حرانی، ۱۳۹۵، ص ۲۶۳-۲۶۷).

«نهج البلاغه، منتخبی از خطبه‌ها، دعاها، وصایا، نامه‌ها و جمله‌های کوتاه مولای متّقین علی (علیه السلام) است، که هیچ‌گاه درگذر زمان به فراموشی سپرده نشده و از ارزش آن نکاسته است؛ کتابی است که با مسائل و رویدادهای هر زمان، همراه و همگام است؛ با تمام ویژگی‌ها، ریزه‌کاری‌ها و جریان‌های هر عصر آشناست؛ پس از قرآن مجید و گفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بهترین سخن و برترین کلام است که تحصیل آن، موجب سعادت دنیا و آخرت می‌گردد. در مجموع یک کتاب تربیتی است» (المجلسی، [بی تا]، ج ۷۷، ص ۲۶۸).

امام علی (علیه السلام) براساس رهنمودهای پیامبر خاتم، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، تحت تعلیم و تربیت بوده است. ایشان در خطبه ۱۹۲ (خطبه قاصعه) داستان تربیت خود را مطرح نموده است. همچنین مالک اشتر تحت تعلیم و تربیت امام علی (علیه السلام) قرار داشته است. چنان‌که در نامه ۵۳ او به مالک اشتر، رهنمودهای تربیتی خود را در ابعاد مختلف شخصیتی برای ایشان ذکر کرده است؛ از جمله ضرورت پرهیز از خودپسندی، خودسازی، اخلاق رهبری و... (رستمی نسب، ۱۳۹۷، ص ۳۹).

در بین یاران، تربیت‌یافتگان و اصحاب دیرین امام علی (علیه السلام)، مالک اشتر از جایگاه خاصی برخوردار است. ایشان دارای یک شخصیت تربیت‌یافته بوده است، چراکه توانسته به موقعیتی برسد که امام علی (علیه السلام) او را به‌عنوان حاکم برمی‌گزیند و مقدرات زندگی مردم جهت رسیدن به سعادت را به رهبری او وامی‌گذارد. «مقام علمی، اجتماعی، سیاسی و مبارزاتی او زبانزد عام و خاص بود. حضور او در میدان‌های نبرد و صحنه‌های سیاسی و نظامی، مایه خشنودی علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) و لشکر اسلام، و سبب نگرانی و ترس و اضطراب دشمنان می‌شد. مالک اشتر، از شخصیت‌هایی است که شایستگی سرمشق شدن و الگو بودن برای مؤمنان را دارد؛ چراکه وی، پس از مرتبه و مقام امامان معصوم (علیهم السلام)، سرور و سرآمد زمان خود بود. او مردی بخشنده، سخنوری چیره‌دست، عارفی بصیر و پارسا بود و در علوم و معارف دینی مقام و منزلت خوبی داشت. بینش عمیق، معرفت فراگیر و ایمان قوی این بزرگمرد، با اخلاق پسندیده و سیاست علوی آمیخته شده بود. مالک، تنها مرد پیکار و میدان جنگ نبود، بلکه با خصوصیات برجسته و خصلت‌های انسانی خود، گوی سبقت را از دیگران ربود و در بین همه آنها بلند آوازه گردید» (امینی، عبدالحسین، ۱۳۹۱، ج ۹، ص ۲۰۴-۲۰۵).

با توجه به مطالب مذکور، به نظر می‌رسد واکاوی ابعاد تربیت‌یافتگی شخصیت او بتواند به‌مثابه یک الگو، در تربیت حاکمان و زمامداران شایسته جامعه اسلامی-ایرانی ما، الهام‌بخش و تأثیرگذار باشد. بنابراین، مسئله این پژوهش آن است که مؤلفه‌های شخصیتی تربیت‌یافتگی مالک اشتر در ابعاد مختلف وی چون؛ جسمانی، دینی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، عقلانی و عاطفی، چه می‌باشند؟

پیشینه پژوهش

در ارتباط با این پژوهش، محققان پیشین، پژوهش‌هایی انجام داده‌اند که در ذیل، برخی از آنها که ارتباط بیشتری با مسئله این پژوهش دارند، بیان و بررسی می‌شود:

باقری و مباشری (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «شناسایی ویژگی‌های کارگزاران با استعداد از منظر امام علی (علیه السلام) (با تأکید بر ویژگی‌های مالک اشتر)» انجام داده‌اند. با توجه به اینکه مالک اشتر یکی از برجسته‌ترین افراد نظام حکومتی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بوده است، در این تحقیق، پژوهشگران تمرکز خود را بر ویژگی‌های وی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) به عنوان یک کارگزار با استعداد و برجسته قرار داده‌اند و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، به سه بعد اصلی؛ شامل ویژگی‌های فردی، سازمانی و اجتماعی و یازده شاخص ذیل به عنوان ویژگی‌های یک کارگزار با استعداد دست یافته‌اند: قاطعیت، شجاعت، ولایت‌مداری، بصیرت، تقوای الهی، استقامت در راه حق، خیرخواهی برای حکومت و سازمان، عملکرد عالی، قابل اعتماد بودن، اصلاح‌گری و خیرخواهی برای مردم.

قندی (۱۳۹۵) در کتابی با عنوان مالک اشتر به بررسی سیره سیاسی و اجتماعی او و ویژگی‌های شخصیتی؛ چون پرهیزگاری، ولایت‌مداری، اخلاق‌مداری و... ایشان پرداخته‌اند. بخشی‌زاده و تقوی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «رفتارشناسی حاکم در نامه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر» (تحلیل متنی گزاره‌های رفتاری با روش تحلیل محتوا) به بررسی ابعاد روان‌شناسی رفتار حاکم در نامه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر و ترسیم الگویی اسلامی از رفتار حاکم است. روش پژوهش «تحلیل محتوا» بوده و با معناکاوی واژگان، ۵۷ گزاره رفتاری به کار برده شده در متن نامه، استخراج گردید که بنابر مشترکات محتوایی در هشت مقوله رفتاری: مردم‌مداری، کنترل رفتاری حاکم، ارزش‌گذاری عادلانه بر کار مردم، پای‌بندی به عهد و پیمان، عیب‌پوشانی مردم، سهل‌انگاری نکردن در امور، گسترش ندادن تملق و چاپلوسی و پرهیز از انتقام و کینه‌جویی جای گرفت. مجموع گزاره‌های رفتاری ذکر شده در متن نامه، جامعه و نظام اداری سالم را ترسیم می‌کند که در صورت رعایت آنها می‌توان جامعه‌ای رشید، فعال، فضیلت‌محور، مسئولیت‌پذیر و در حال رشد و حرکت داشت.

گراوند (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش و جایگاه مالک اشتر در تاریخ صدر اسلام»، نشان داده است که مالک‌بن‌حارث نخعی معروف به مالک اشتر در تاریخ اسلام و تشیع، جایگاهی مهم و زندگی پر فراز و نشیبی داشته است. مالک در دوره جاهلیت متولد گشت، ولی تاریخ تولدش دقیقاً معلوم نیست، اما می‌توان تخمین زد که سال تولد وی بین سال‌های ۲۵-۳۰

قبل از هجرت بوده است. علی‌رغم اینکه پس از اسلام، در دوران خلفای راشدین، کم و بیش در صحنه‌های مختلف تاریخ صدر اسلام، حضوری فعال داشته است، ولی دامنه این نفوذ و تأثیر، خصوصاً در دوره حکومت امام علی (علیه السلام)، یکسان نبوده است. او در راه اهداف و جنگ‌های امام علی (علیه السلام) بر ناکثین، قاسطین و پیمان‌شکنان شمشیر زده و از سوی امام علی (علیه السلام) به استانداری مصر منصوب گشت. به لحاظ روان‌شناسی فردی، دارای صفاتی همچون: شجاعت و قدرت، حلم و بردباری، قاطعیت و خشونت، مدارا و نرمش، جهاد و هجرت، فصاحت و بلاغت و ... بوده است. در نهایت به دسیسه معاویه در راه مصر (منطقه قُلُوم) مسموم، و در سال ۳۹ هجری به شهادت رسید.

دهقان (۱۳۸۷) در کتابی با عنوان شخصیت مالک اشتر (او که بود و چه کرد؟)، به این امر اشاره دارد که «مالک بن حارث عبد یغوث نخعی از اصحاب خاص حضرت علی (علیه السلام) بود. وی بر اثر ضربه شمشیری در جنگ یرموک از ناحیه چشم آسیب دید و از آن روی وی را اشتر می‌گویند. مالک اشتر، در زمان خلافت حضرت علی (علیه السلام) فرمانده بخشی از سپاه او بود. علی (علیه السلام) وی را در سال ۳۷ هجری، به امیری مصر گماشت. مالک توسط دهقانی در مسیر حرکت به مصر و به تحریک معاویه مسموم گردید. این کتاب، حاوی سرگذشت مالک اشتر و شامل مطالبی چون: نقش مالک اشتر در زمان ولایت امام علی (علیه السلام)؛ مالک اشتر از دیدگاه پیامبر ﷺ و علی (علیه السلام)؛ جلوه‌هایی از کمالات، خصایل و فضایل مالک اشتر؛ و فرستادن مالک اشتر به مصر و شهادت او است».

براساس بررسی پیشینه پژوهش، به نظر می‌رسد که عمده پژوهش‌های انجام شده درباره مالک اشتر، با نگاه شخصیت‌شناسی عمومی و جنبه‌های تاریخی انجام شده‌اند. از این رو، اقتضا می‌کند که پژوهشی با نگاه و رویکرد تربیتی به ابعاد شخصیت خاص ایشان انجام شود، تا زمینه الهام‌بخشی تربیتی به چگونگی تربیت حاکمان و زمامداران شایسته جامعه اسلامی-ایرانی ما را فراهم سازد.

روش پژوهش

متناسب با مسئله و هدف این پژوهش در بررسی و شناسایی ابعاد تربیت‌یافتگی شخصیت مالک اشتر، از روش تحلیل مضمون استفاده شد. «روش تحلیل مضمون»، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است؛ این روش، داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۶۳). در تحلیل مضمون، واحد تحلیل، بیشتر از یک کلمه یا اصطلاح است؛ به بافت داده‌ها و نکات ظریف آن‌ها،

بیشتر توجه می‌شود. همچنین، تحلیل مضمون از شمارش کلمات و عبارات آشکار، فراتر می‌رود؛ بر شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی تمرکز می‌کند (همان، ص ۱۶۴). در این روش پژوهش، براساس روندی مشخص، ابتدا مضامین پایه‌ها (کدها و نکات کلیدی متن؛ کدهای باز)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به‌دست آمده از ترکیب و تخلیص مضامین پایه؛ کدهای محوری) و آنگاه مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگزیده اصول حاکم بر متن به‌مثابه کل؛ کدهای انتخابی)، تدوین می‌شوند و سپس مورد تبیین و تفسیر قرار می‌گیرند (همان، ص ۱۹۶). این روند در تحلیل داده‌های این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. بدین صورت که ابتدا، از تخلیص و ترکیب نکات کلیدی ناظر به جلوه‌های تربیت‌یافتگی شخصیت مالک اشتر، کدها یا مضامین پایه تدوین شدند. سپس از کنار هم قرار دادن و بررسی تفاوت‌ها و تشابهات معنایی کدها یا مضامین پایه‌ها، کدها یا مضامین محوری تشکیل شدند، و در نهایت از گروه‌بندی مضامین/کدهای محوری، مضامین/کدهای فراگیر ناظر به ابعاد تربیت‌یافتگی شخصیت مالک اشتر، شکل گرفتند. در ادامه، یافته‌های پژوهش، طی تشکیل و تدوین این مضامین سه‌گانه، بیان می‌شوند و مورد تحلیل و تفسیر قرار می‌گیرند. به‌منظور تأمین اعتبار یافته‌ها، معیار تحلیل داده‌ها به صورت گروهی انجام شده است. بدین معنا که فرایند تحلیل داده‌ها، توسط سه نویسنده مقاله، بارها بازخوانی و اصلاح شده است، تا اشتراک نظر در مورد آنها حاصل شود. این روش، یکی از شیوه‌های تأمین اعتبار در پژوهش تحلیل مضمون می‌باشد (همان، ص ۱۸۷).

یافته‌های پژوهش

از تحلیل گزاره‌ها، و مضامین ناظر به ویژگی‌های شخصیت تربیت‌یافته مالک اشتر در کتاب نهج‌البلاغه به‌عنوان منبع اصلی پژوهش (نامه ۱۳-۳۸-۵۳)، و کتب تاریخی دیگر مانند تاریخ یعقوبی (یعقوبی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷۴-۱۷۵)، الفتوح (ابن اعثم کوفی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۷)، الإصابه فی تمییز الصحابه (العسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۵)، مروج الذهب و معادن الجواهر (مسعودی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۸۴)، وقعة صفین (المنقری، ۱۳۸۲، ص ۲۴۸)، موسوعه الامام علی بن ابی طالب فی الکتاب و السنه و التاریخ (محمدی ری‌شهری، ۱۴۲۱ق، ص ۱۳۹)، نبرد جمل (مفید، ۱۳۹۴، ص ۸۱)، به‌عنوان منابع تکمیلی، کدهای باز یا مضامین پایه پژوهش، تشکیل شدند. با توجه به محدودیت حجم یک مقاله، در اینجا تنها نمونه‌ای از آنها بیان می‌شوند.

جدول شماره (۱). نمونه‌ای از کدهای باز (مضامین پایه)

| شماره کد | کدگذاری باز | عبارت‌های کلیدی نامه ۱۳، نهج البلاغه |
|----------|-----------------------------|---|
| (۱) | ولایت‌مدار | خیرخواه نسبت به ولایت |
| (۲) | سخت‌گیری با دشمنان | سخت‌گیری نسبت به دشمنان |
| (۳) | امر به معروف | دعوت به اجرای فرمان خداوند |
| (۴) | توکل | یاری خواستن از خداوند |
| (۵) | عدم سستی و لغزیدن | عظمت و بزرگی مالک اشتر از دیدگاه امام علی <small>علیه السلام</small> ، که امام او را به دو تن از فرماندهان لشکرش نگاهشته است، و درباره او چنین می‌گوید: مالک اشتر را بر شما فرمانروا می‌گردانم؛ پس گوش به فرمان او باشید؛ از او اطاعت کنید و او را بر خود زره و سپر قرار دهید؛ زیرا او از کسانی نیست که بیم سستی و لغزیدن در او باشد. |
| (۶) | مبارزه با دشمن | روی برنگرداندن در مبارزه با دشمن |
| (۷) | صبر | بیداری و نخوابیدن در روزهای وحشت |
| (۸) | استقامت | به مانند شعله آتش بر جان بدکاران افتادن |
| (۹) | جهاد | شمشیر زدن در راه خدا و برای خود |
| (۱۰) | ولایت مدار | تحت فرمان مطلق ولایت |
| (۱۱) | مقاومت در مقابل دشمن | سرسختی در مقابل دشمنان |
| (۱۲) | تقوا | او را به ترس از خدا فرمان دهد. اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد، آنچه در |
| (۱۳) | پرستش خدا | کتاب خدا آمده از واجبات و سنت‌ها را پیروی کند، رستگاری جز پیروی از دستورات |
| (۱۴) | رستگاری | خدا میسر نمی‌شود |
| (۱۵) | عمل صالح | خدا را با دل و دست و زبان یاری کردن |
| (۱۶) | تقوا | عدم پیروی نفس از آرزوها |
| (۱۷) | نهی از منکر | رام کردن افراد سرکش و پیرو هوای نفس |
| (۱۸) | عمل صالح | اعمال صالح و درست |
| (۱۹) | تقوا | در اختیار گرفتن هوای نفس |
| (۲۰) | تقوا | از آنچه حلال نیست، خویشتن‌داری می‌کند |
| (۲۱) | انصاف | آنچه دوست دارد یا برای او ناخوشایند است، راه انصاف می‌پیماید |
| (۲۲) | مهربانی | مهربانی با مردم |
| (۲۳) | بخشش | بخشش خطاها |
| (۲۴) | رهبری | همانا تو از مردم برتر و امام تو از تو برتر و خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر را داد، |
| (۲۵) | آزمایش الهی | والا تر، که انجام امور مردم مصر را به تو واگذار داده و آن را وسیله آزمودن تو قرار داده |
| (۲۶) | عدم خشم | عدم شتاب بر خشم، عدم تکبر و عدم خودبزرگ‌بینی در مقابل مردم |
| (۲۷) | عدم تکبر و عدم خودبزرگ‌بینی | |
| (۲۸) | ولایت مدار | سرکشی نکردن از حکومت الهی |
| (۲۹) | تعقل | عقل و اندیشه را به کار انداختن و عدم تندروری |
| (۳۰) | میانروی | |
| (۳۱) | عدم سرکشی | خداوند هر سرکشی را خوار می‌سازد و هر خودپسندی را بی‌ارزش می‌کند |
| (۳۲) | عدم خودپسندی | |

| شماره کد | کدگذاری باز | عبارت‌های کلیدی نامه ۱۳، نهج‌البلاغه |
|----------|-------------------|---|
| (۳۳) | عدالت | رعایت انصاف با خدا؛ مردم و با خویشاوندان نزدیک، و با افرادی از رعیت خود که آنان را دوست داری و در صورت عدم رعایت انصاف، خداوند کیفر او را نزدیک می‌سازد |
| (۳۴) | پاداش | |
| (۳۵) | اهمیت ستمدیدگان | خدا، دعای ستمدیدگان را می‌شنود و در کمین ستمکاران است |
| (۳۶) | تهدید ستمکاران | |
| (۳۷) | توجه به عموم مردم | ستون‌های استوار دین و اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند. پس به آنان گرایش داشته؛ اشتیاق تو با آنان باشد |
| (۳۸) | حق‌گرایی | زشتی رعیت را پوشاندن؛ تا آنکه دوست دارد بر رعیت پوشیده ماند، که خدا بر تو پوشاند |
| (۳۹) | پوشاننده عیوب | گره هر کینه‌ای را در مردم بگشای و رشته هر نوع دشمنی را قطع کن |
| (۴۰) | وحدت و یگانگی | |

در گام اول تحلیل و کدگذاری داده‌ها، از تحلیل و بازخوانی نکات اساسی و مرتبط با جلوه‌های تربیت‌یافتگی شخصیت مالک اشتر در نهج‌البلاغه و سایر منابع تاریخی مرتبط استفاده شد و ۲۲۳ کد پایه (باز) یا مضامین شناسایی شد که ۴۰ مورد از آنها برای نمونه در جدول شماره (۱) آورده شده است؛ پس از این مرحله، این ۲۲۳ کد یا مضمون پایه، براساس بررسی و مقایسه شباهت معنایی با یکدیگر، در خوشه‌ها یا دسته‌های معنایی بزرگ‌تر، سازمان‌دهی شدند. این امر، منجر به تشکیل کدها یا مضامین محوری داده‌ها شد. این مضامین محوری و مفاهیم بزرگتر ناظر به آنها در جدول ذیل آمده است.

جدول شماره (۲). کدگذاری محوری (مضامین سازمان‌دهنده)

| مفهوم | کد محوری؛ مضامین سازمان‌دهنده | نشانگان |
|-----------------------------------|--|--|
| برخورداری از سلامت و صلابت جسمانی | دلاور و سلحشور - چست و چالاک، همانند شیر غران جنگیدن - نبرد از آغاز تا پایان جنگ - حضور در سخت‌ترین و طولانی‌ترین جنگ - تنومندترین و بلندترین مردان | (۸۴)، (۲۱۱)، (۲۱۲)، (۲۱۴)، (۲۱۷)، (۲۱۸) |
| ولایت‌مداری | ولایت‌مدار - عدم سستی و لغزیدن - رهبری - یقین به خدای بزرگ - عدم بدعت‌گذاری - در احکام نظامیان عمل به قرآن و سنت و ائمه اطهار - ترغیب بیعت - درود بر پیامبر و اهل‌بیت - ترغیب بیعت - توحید - نبوت - امامت - برخوردار از خانواده ولایت‌مدار | (۱)، (۵)، (۱۰)، (۲۴)، (۲۹)، (۴۷)، (۶۰)، (۷۷)، (۸۹)، (۲۰۶)، (۲۰۷)، (۲۲۲)، (۲۲۳) |
| مقید به اعمال صالح و فضایل اخلاقی | امربه‌معروف - اهمیت توکل - نهی از منکر - صبر - عمل صالح - بی‌اعتقادی به خدا و پرهیز از سخن‌چینی - نکوهش خیانت‌کاری - پیروی از آداب پسندیده - اهمیت تلاش - پاکدامن - سوابقی نیکو - ابهت - وقت‌شناسی - باحیا - خاندان پاکیزه - آبرودار - چشم‌نیندوختن به اموال دولت - راستگو - باوفا - امانتدار - عدم طوق بدنامی - عبرت دیگران شدن - سخنان درشت بر خود هموار نکردن - عدم فساد - عدم فریب - اجتناب از منت‌گذاری - عدم وعده‌های بی‌مورد - اجتناب از سوء استفاده - یاد قیامت - اتمام حجت - استمداد از خدا - شجاعت | (۳)، (۴)، (۷)، (۱۷)، (۱۸)، (۴۲)، (۴۳)، (۵۹)، (۷۵)، (۷۹)، (۸۲)، (۹۳)، (۱۰۴)، (۱۶۴)، (۱۱۱)، (۱۱۲)، (۱۱۵)، (۱۱۸)، (۱۱۹)، (۱۲۰)، (۱۲۱)، (۱۲۲)، (۱۵۲)، (۱۶۰)، (۱۸۱)، (۱۸۳)، (۱۸۹)، (۱۹۰)، (۱۹۴)، (۱۹۶)، (۲۰۰)، (۲۰۱)، (۲۱۳) |

| | | |
|---|--|---|
| <p>(۲)، (۶)، (۹)، (۳۶)، (۲۱)، (۳۷)، (۴۱)، (۶۷)، (۸۶)، (۹۹)، (۱۰۴)، (۱۰۸)، (۱۱۹)، (۱۲۴)، (۱۳۶)، (۱۴۵)، (۱۴۶)، (۱۵۱)، (۱۵۳)، (۱۵۹)، (۱۷۰)، (۱۷۲)، (۱۷۶)، (۱۸۵)، (۱۸۸)، (۱۹۴)، (۲۱۶)</p> | <p>سخت‌گیری با دشمنان - مبارزه با دشمن - جهاد با دشمن - مقاومت در مقابل دشمن - انصاف - اهمیت ستم‌دیدگان - تهدید ستمکاران - یادآوری و ستایش کارهای مهم فرماندهان - وحدت و یگانگی - دین در دست بدکاران قرار نگرفتن امنیت و استواری کشور - عدل - عدم ستمگری - جاسوسان برای کارمندان - پاداش به کارمند - به آینده کشور اعتماد کردن - آشتی طلب - عدم فتنه‌انگیزی - پاداش به معامله‌گر منصف - رسیدگی به طبقه ضعیف - زمین‌گیران - نیازمندان و دردمندان - احقاق حق مردم - پوشیده نشدن حق - دادگری و جلوگیری از سوءاستفاده نزدیکان - صلح‌گرایی - عمل به معاهدات صلح - پرهیز از خونریزی - قصاص - اجتناب سوءاستفاده نزدیکان از امتیازخواهی - قاطعانه خواهان ادامه جنگ</p> | <p>ظلم‌ستیزی، عدالت، تلاش برای وحدت و استواری حکومت</p> |
| <p>(۵۰)، (۵۶)، (۱۴۳)، (۸۶)، (۱۱۷)، (۱۴۰)، (۱۴۹)</p> | <p>صرفه‌جو - تخفیف مالیات - مالیات - گردآوری مالیات - بازگنان و تولیدکنندگان - کمک مالی در تأمین وسایل زندگی مردم - حقوق کافی - عدم سستی در قرارداد نامه - جلوگیری از اجحاف و احتکار</p> | <p>توجه به رفاه مادی مردم</p> |
| <p>(۳۸)، (۶۲)، (۶۳)، (۷۱)، (۸۵)، (۱۲۸)، (۱۲۹)، (۱۳۳)، (۱۴۱)، (۱۶۸)، (۱۷۱)</p> | <p>توجه به عموم مردم - اصلاح شهرها - برقراری نظم و قانون - دعوت به یاری - رسیدگی به امور کوچک و بزرگ - اصلاح امور اقشار جامعه - دعوت به آبادی شهرها - خیرخواه و امانت‌دار مردم - ارتباط مستقیم با مردم - توجه به درخواست مردم</p> | <p>عامل به تعاون و همکاری</p> |
| <p>(۳۰)، (۵۳)، (۶۱)، (۸۸)، (۹۶)، (۹۷)، (۹۸)، (۱۰۰)، (۱۰۲)، (۱۰۷)، (۱۱۰)، (۱۱۶)، (۱۳۴)، (۱۳۷)، (۱۳۸)، (۱۷۵)، (۱۹۲)، (۱۹۸)، (۲۰۸)، (۲۱۰)، (۲۱۵)</p> | <p>تعقل - مراد به پرهیزگاران و راست‌گویان - توصیه به گفتگو با دانشمندان و حکیمان - ارزشیابی دقیق تلاش خدمت فرمانده سپاه - شناخت - تحقیق - با احتیاط عمل کردن - درایت - اندیشیدن در قضاوت‌ها - مشورت برای گماشتن - حاذق - دوراندیش - قدرت تحمل زیادی داشتن - عبرت از گذشتگان - گزینش کاتبان - دوراندیش - موقع‌شناسی و واقع‌نگری - استفاده از تجربه‌ها و گذشته‌ها - نفوذ کلام و توان بالاتر - روشنگر حقایق و ارزش‌های والا - شناخت توطئه‌های دشمن و نقش‌های آنها</p> | <p>اندیشه‌ورزی، شناخت و بصیرت</p> |
| <p>(۲۲)، (۲۳)، (۲۶)، (۲۷)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۲)، (۳۳)، (۴۴)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۲)، (۵۵)، (۷۰)، (۸۳)، (۹۵)، (۱۴۷)، (۱۵۶)، (۱۶۷)، (۲۲۰)</p> | <p>مهربانی - بخشش - عدم خشم - عدم تکبر - عدم خودبزرگ‌بینی - میانه‌روی - عدم سرکشی - عدم خودپسندی - عدم بخل - عدم ترس - عدم حرص - دوستی - نیکوکاری - ترجم - توصیه به بخشش - رحیم - عدم طمع - عدم تنگ‌نظری - دلجویی کردن - اعتدال در ادای واجبات - تواضع نسبت به امام علی (علیه السلام)</p> | <p>عطوفت، مهربانی و اعتدال در امیال</p> |
| <p>(۱۲)، (۱۳)، (۳۵)، (۱۰۱)، (۱۱۳)، (۱۶۳)، (۱۶۶)، (۱۸۰)، (۱۸۷)، (۲۰۴)، (۲۰۲)، (۲۰۳)</p> | <p>تقوا - پرستش خدا - رستگاری - پاداش الهی - هدایت - باتقوا - رحمت خداوند - تعیین زمانی خاص برای عبادت و نماز - پیروزی - برکت در نعمت‌ها - شهادت - سعادت - خشنودی خداوند</p> | <p>هدایت - تقوا - عبادت و عبودیت - طهارت و حیات طیبه - قرب و رضوان الهی</p> |

پس از تشکیل مضامین محوری/ کدهای سازمان‌دهنده طبق جدول شماره (۲)، با تعمق بر این داده‌های پژوهش از یک‌سو، و با توسل به ابزارهای مفهومی فلسفه تعلیم و تربیت از سوی دیگر، کدهای انتخابی/ مضامین فراگیر ناظر به جلوه‌های تربیت‌یافتگی شخصیت مالک اشتر در ابعاد گوناگون تربیتی، تدوین شدند. جدول شماره (۳) این مضامین فراگیر را روایت می‌کند.

جدول شماره (۳). کدگذاری انتخابی (مضامین فراگیر)

| مقوله | مفهوم | کدمحوری؛ مضامین سازمان‌دهنده |
|----------------------|--|--|
| تربیت‌یافتگی جسمانی | برخورداری از سلامت و صلابت جسمانی | دلاور و سلحشور - پست و چالاک، همانند شیر غران جنگیدن - نبرد از آغاز تا پایان جنگ - حضور در سخت‌ترین و طولانی‌ترین جنگ - تومندترین و بلندترین مردان ولایت‌مدار - عدم سستی و لغزیدن - رهبری - یقین به خدای بزرگ - عدم بدعت - در احکام نظامیان عمل به قرآن و سنت و ائمه اطهار - حضور حاکم در میان مردم - معاد - درود بر پیامبر و اهل بیت - ترغیب بیعت - توحید - نبوت - امامت - برخوردار از خانواده ولایت‌مدار |
| تربیت‌یافتگی دینی | داشتن اعتقادات و باورهای معنوی | امر به معروف - توکل - نهی از منکر - عمل صالح - عدم باور سخن - سخن چین - عدم خیانت - پیروی از آداب پسندیده - تلاش فراوان - پاکدامن - سوابقی نیکو - ابهت - قبول اشتباهات - گرمی داشتن مقام - باحیا - خاندان پاکیزه - آبرودار - چشم‌نیندوختن به اموال دولت - راستگو - باوفا - امانتدار - عدم طوق بدنامی - عبرت دیگران شدن - سخنان درشت بر خود هموار نکردن - عدم فساد - عدم فریب - اجتناب از منت‌گذاری - عدم وعده‌های بی‌مورد - اجتناب از سوء استفاده - یاد قیامت - اتمام حجت - استمداد از خدا - شجاعت صبر - وقت‌شناسی |
| تربیت‌یافتگی اخلاقی | مقید به اعمال صالح و فضایل اخلاقی | سخت‌گیری با دشمنان - مبارزه با دشمن - جهاد با دشمن - مقاومت در مقابل دشمن - انصاف - ستم‌دیدگان - ستمکاران - وحدت و یگانگی - شکوه دین - امنیت و استواری کشور نیازمندان و مستمندان - عدم توطئه نزدیکان - عدل - عدم ستمگری - جاسوسان برای کارمندان - پاداش به کارمند - به آینده کشور اعتماد کردن - آشتی طلب - عدم فتنه‌انگیزی - پاداش به معامله‌گر منصف - رسیدگی به طبقه ضعیف - زمین‌گیران - نیازمندان و دردمندان - احقاق حق مردم - پوشیده نشدن حق - دادگری و جلوگیری از سوء استفاده نزدیکان - صلح گرایی - عمل به معاهدات صلح - پرهیز از خونریزی - قصاص - اجتناب سوء استفاده نزدیکان از امتیاز خواهی - قاطعانه خواهان ادامه جنگ - یادآوری و ستایش کارهای مهم فرماندهان - دین در دست بدکاران بد نشدن |
| تربیت‌یافتگی سیاسی | ظلم‌ستیزی و عدالت و تلاش برای وحدت و استواری حکومت | صرفه‌جو - تخفیف مالیات - مالیات - تنظیم قراردادها و معاملات - بازرگانان و تولیدکنندگان - کمک مالی در تأمین وسایل زندگی مردم - حقوق کافی - عدم سستی در قرارداد نامه - جلوگیری از اجحاف و احتکار |
| تربیت‌یافتگی اقتصادی | توجه به رفاه مادی مردم | توجه به عموم مردم - اصلاح شهرها - برقراری نظم و قانون - باری - رسیدگی به امور کوچک و بزرگ - اصلاح امور اقشار جامعه - تلاش در آبادانی زمین و شهرها - خیرخواه و امانت‌دار مردم - ارتباط مستقیم با مردم - توجه به درخواست مردم |
| تربیت‌یافتگی اجتماعی | عامل به تعاون و همکاری | |

| مقوله | مفهوم | کدمحوری؛ مضامین سازمان دهنده |
|-------------------------|--|--|
| تربیت‌یافتگی عقلانی | اندیشه‌ورزی، شناخت و بصیرت | تعقل - قدرت فکری بالا - مراوده با پرهیزگاران و راست‌گویان - گفتگو با دانشمندان و حکیمان - ارزشیابی دقیق تلاش خدمت فرمانده سپاه - شناخت - تحقیق - بااحتیاط عمل کردن - درایت - اندیشیدن در قضاوت‌ها - مشورت برای گماشتن - حاذق - دوراندیش - قدرت تحمل زیادی داشتن - عبرت از گذشتگان - گزینش کاتبان - دور اندیش - موقع شناسی و واقع‌نگری - استفاده از تجربه‌ها و گذشته‌ها - نفوذ کلام و توان بالاتر - روشننگر حقایق و ارزش‌های والا - شناخت توطئه‌های دشمن و نقش‌های آنها |
| تربیت‌یافتگی عاطفی | عطوفت و مهربانی و اعتدال در امیال | مهربانی - بخشش - عدم خشم - عدم تکبر - عدم خودبزرگ‌بینی - عدم تدروی - عدم سرکشی - عدم خودپسندی - عدم بخل - عدم ترس - عدم حرص - دوستی - نیکوکاری - ترجم - بخشش - رحیم - عدم طمع - عدم تنگ‌نظری - دلجویی کردن - اعتدال در ادای واجبات - تواضع نسبت به امام علی <small>علیه السلام</small> |
| تربیت‌یافتگی کلی و غایی | هدایت - تقوا - عبادت و عبودیت - طهارت و حیات طیبه - قرب و رضوان الهی | سعادت - تقوا - پرستش خدا - رستگاری - پاداش الهی - هدایت - رحمت خداوند - تعیین زمانی خاص برای عبادت و نماز - پیروزی - برکت در نعمت‌ها - شهادت - خشنودی خداوند |

تبیین و تفسیر یافته‌های نهایی پژوهش (جدول مضامین فراگیر پژوهش)

* چنانچه نتایج پژوهش در جدول شماره (۳) نشان می‌دهد، یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت‌یافتگی شخصیت مالک اشتر، بُعد جسمانی ایشان است. مؤلفه اساسی توصیف این بُعد از شخصیت او را می‌توان بر خورداری از سلامت و صلابت جسمانی دانست. چنانکه المنقری (۱۳۸۲، ص ۲۴۸) او را از تنومندترین و بلندترین مردان عصر خود می‌دانست. یعقوبی (۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۷۵) ایشان را چست و چالاک می‌دانست که همچون شیر غرّان در جنگ‌ها مبارزه می‌کرد. او مردی شجاع و دلاوری با تقوا بود که در جنگ‌ها و فتوحات اسلامی، حضوری بسیار تأثیرگذار داشت؛ به عنوان مثال در سال ۱۲ هجرت، ایشان برای حفظ اسلام احساس مسئولیت کرد؛ از این‌رو، برای جنگ با مرتدان از اقامتگاه خود بیرون آمد و به سپاه اسلام پیوست. او در یک جنگ، ابومسیکه رهبر مرتدان بنوحنیفه را بر سر اسبش بی‌هوش ساخت. این حادثه، نخستین رشادتی بود که از مالک اشتر دیده شد تا مسلمانان به وجود مسلمانی دلاور و دریادل چون او پی ببرند (حکیم، ۱۳۸۵، ص ۵). در سال ۱۳ هجرت، عصر خلافت ابوبکر بود؛ امپراطوری روم همواره به کارشکنی و تجاوز در مرزها می‌پرداخت و در انتظار فرصتی بود تا به حکومت اسلامی حمله سراسری کند. ایشان به‌طور فعال در جنگ با رومیان شرکت کرد (همان، ص ۱۰)؛ در زمان خلافت عمر، در جنگ مسلمانان و رومیان، به مصاف رومیان رفت، در پیکار یرموک حماسه‌های بلند آفرید (ابن‌اعثم کوفی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۷)،

در عصر خلافت ابوبکر مصادف با سال ۱۳ هجری، در جنگ تبوک به مصاف رومیان رفت (طبری، ۱۳۹۷، ج ۴، ص ۴۰۱)؛ جنگجوی رومی در حالی که از شجاعت مالک، سخت وحشت زده شده بود، جواب داد: خدا امثال تو را در میان قوم من زیاد کند (حکیم، ۱۳۸۵، ص ۶-۱۰)؛ در فتح دمشق به فرماندهی ابوعبیده جراح شرکت داشت (طبری، ۱۳۹۷، ج ۴، ص ۴۰۱). در جنگ قادسیه، مالک اشتر در آزادسازی ایران از زیر یوغ شاهان ساسانی و آیین آتش پرستی، از سرداران سپاه اسلام بود. او در این راستا شرکت فعال داشت (حکیم، ۱۳۸۵، ص ۱۱). در زمان خلافت عثمان، تعدیات و انحراف کارگزاران عثمان از حد گذشت؛ مردم به‌ویژه نخبگان از جمله مالک اشتر به اصلاح یا عزل او وارد عمل شدند، چون او اصلاح‌پذیر نبود، بر او شوریدند و او را به قتل رساندند. بنابراین مالک اشتر هم، به صف طرفداران برکناری عثمان پیوست (ابن ابی‌الحدید معتزلی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۲۹-۱۳۴)؛ بعد از قتل عثمان، امام علی (علیه السلام) به خلافت حکومت اسلامی انتخاب گردید. مالک اشتر در زمان ایشان، در نبرد جمل، از آغاز تا پایان، همراه حضرت علی (علیه السلام) بود. وی با شجاعت خویش، بسیاری از فرماندهان و قهرمانان لشکر مقابل را، در نبردهای تن به تن به هلاکت رسانید (العسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۵)؛ او در جنگ صفین که سخت‌ترین و طولانی‌ترین جنگ زمان خلافت امام علی (علیه السلام) به‌شمار می‌رفت، از معدود افرادی بود که قاطعانه تا آخر، خواهان ادامه جنگ بود و فرماندهی سواره‌نظام را بر عهده داشت (مسعودی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۸۴). پس از عزل قیس، امام علی (علیه السلام) محمد بن ابی‌بکر را حاکم مصر قرار داد. او پس از نبرد صفین، که موضع معاویه تقویت شده بود، در مصاف با خون‌خواهان عثمان در مصر شکست خورد (طبری، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۲۶۲۱)، مالک اشتر که در آن زمان در جزیره بود؛ امام علی (علیه السلام) به وی نامه‌ای نوشت و او را به کوفه فرا خواند، بعد از آمدن مالک اشتر به کوفه، امام ضمن سخنانش به وی فرمود: «کسی جز تو برای حکومت مصر شایسته نیست. خدایت رحمت کند! به مصر برو و نسبت به مردم، طبق دستورات الهی عمل کن» (تقفی کوفی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۶۳). از طرف دیگر، معاویه یکی از عاملانش را مأمور کشتن مالک نمود و او را مسموم و شهید کردند (طبری، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۲۶۲۲).

تربیت‌یافتگی دینی

از دیگر ساحت‌های تربیت‌یافتگی شخصیت و منش مالک اشتر، فرهیختگی و تربیت‌یافتگی ایشان در ساحت دینی و مذهبی است. ایشان در این بُعد، دارای اعتقادات و باورهای معنوی چون ولایت‌مداری، واجد یقین به خدای بزرگ، اعتقاد به توحید، نبوت، معاد و امامت، محبت به پیامبر

و اهل بیت، ترغیب مردم به بیعت با رسول خدا ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام) و ... بودند. مالک اشتر در عصر رسول خدا ﷺ در همان زادگاه خود، روستای بیشه یمن، با اشتیاق اسلام را پذیرفت و ایمان آورد (ابن اثیر، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۰۵). ایشان در تثبیت بیعت مردم یمن با امام (علیهم السلام) در سال دهم هجری، تلاش‌های فراوانی انجام داد. نفوذ کلام و توان بالای مالک در ایراد سخنرانی‌ها، یکی از امتیازات او بود (یعقوبی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷۴). وی روشنگر حقایق و ارزش‌های والایی بود که می‌توانست، توده مردم را به حرکت درآورده و آنگاه، آنها را هدایت نماید (همان، ص ۱۷۵)؛ چنان‌که پیامبر ﷺ او را مؤمن و عبد صالح خواند. امیر مؤمنان علی (علیهم السلام) آنچنان او را در سطح بالا معرفی کرد که فرمود: رَحِمَ اللَّهُ مَالِكًا فَلَقَدْ كَانَ لِي كَمَا كُنْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛ خدا رحمت کند مالک اشتر را، که او برای من همان‌گونه بود که من برای رسول خدا ﷺ بودم (ابن ابی‌الحدید معتزلی، ۱۳۹۴، ج ۱۵، ص ۹۸)؛ نیز فرمود: لَوْ كَانَ جَبَلًا لَكَانَ فِئْدًا، وَ لَوْ كَانَ حَجْرًا لَكَانَ صَلْدًا، لَا يُزْتَمِيهِ الْحَاوِزُ، وَ لَا يُوفِي عَلَيْهِ الطَّائِرُ؛ اگر کوه بود یکتا بود و اگر سنگ بود سرسخت و محکم بود. هیچ مرکبی نمی‌توانست از کوهسار وجودش بالا رود و هیچ پرنده‌ای به قله آن راه نمی‌یافت (الغدیر، ج ۹، ص ۴۰)؛ همچنین زندگی درخشان مالک اشتر شیعه‌ایثارگر و مخلص امیر مؤمنان علی (علیهم السلام) و به تعبیر امام علی (علیهم السلام): سَيْفٌ مِنْ سَيْفِ اللَّهِ؛ شمشیری از شمشیرهای خدا (ابن ابی‌الحدید معتزلی، ۱۳۹۴، ج ۱۶، ص ۱۵۸).

تربیت‌یافتگی اخلاقی

تربیت‌یافتگی اخلاقی، بُعد دیگر شخصیت رشدیافته و زیست اخلاقی مالک اشتر است که او را مقید به اعمال صالح و فضایل اخلاقی می‌کرد. این بُعد شخصیت ایشان، واجد خصلت‌های اخلاقی‌ای چون امر به معروف و نهی از منکر، نیکوکاری، عدم فساد، پرهیز از ستمگری، عدم خیانت، صبوری، امانتداری و ... است. این ویژگی‌های اخلاقی، شخصیتی را پرورش داده بود که در جامعه بسیار تأثیرگذار بود؛ به‌گونه‌ای که امیر مؤمنان، علی (علیهم السلام) در نامه‌ای به مردم مصر، در شأن و منزلت مقام وی و ویژگی‌هایی را برشمرد؛ از آن جمله: او کسی است که به هنگام خوف (مردم از جنگ) خواب به چشمش راه نیابد، در ساعت ترس و وحشت، از دشمن هراس ندارد، نسبت به بدکاران، از شعله، سوزنده‌تر است، گفتار او را با گوش جان بشنوید و از او پیروی کنید، گوش به فرمان او باشید، من شما را در انتخاب او برای ولایت بر شما از دیگران مقدم داشتم، او تسلیم فرمان من است، براساس شیوه من رفتار می‌کند، او ناصح و خیرخواه شما است، او نسبت به دشمنان تان سختگیرتر است (سیدرضی، ۱۳۸۷، ص ۷۳۰).

ابن ابی‌الحدید در شرح نهج البلاغه، این نامه را به اندکی تفاوت نقل نموده، که چند ویژگی زیر در آن از زبان حضرت علی (علیه السلام) افزوده شده است: *مِنْ أَشَدِّ عِبَادِ اللَّهِ بِأَسَاءً، وَأَكْرَمِهِمْ حَسَبًا، وَأَبْعَدِ النَّاسِ مِنْ دَنَسٍ وَ عَارٍ. حُسَامٌ صَارُمٌ حَلِيمٌ فِي التَّسَلُّمِ. رَزِيْنٌ فِي الْحِرَابِ دُوْرَ أَرَى أُصِيْلٍ وَ صَبْرٍ جَمِيْلٍ؛* مالک اشتر در نبرد با دشمن، از سختگیرترین بندگان خدا است. او از کریم‌ترین دودمان برخاسته است؛ از همگان نسبت به ناپاکی‌ها و ننگ‌ها، دورتر است. او شمشیر بران و تیز است. هنگام آرامش، بردبار و خویش‌دار است و در جنگ، انسانی سنگین و با وقار می‌باشد؛ صاحب نظر اصیل و صبر نیکو است (ابن ابی‌الحدید معتزلی، ۱۳۹۴، ج ۶، ص ۷۵).

تربیت‌یافتگی سیاسی

بعد دیگر از شاخص‌های تربیت‌یافتگی شخصیت مورد پژوهش، ظلم‌ستیزی، عدالت و تلاش برای وحدت و استواری حکومت است. این شاخصه‌های اصلی دربرگیرنده ویژگی‌هایی چون عدل، وحدت و یگانگی، رسیدگی به طبقه ضعیف، زمین‌گیران و نیازمندان، احقاق حق مردم و مقابله با ستمکاران است.

امام علی (علیه السلام) او را چنان شخصیتی دانست که حاکم مصر قرار داد. مالک اشتر پیرو امام علی (علیه السلام)، تمام شهروندان جامعه اسلامی را به دو دسته تقسیم می‌کند: دسته اول که مسلمانان هستند و برادر دینی حاکمان به‌شمار می‌روند و دسته دوم که مسلمانان نیستند، ولی در آفرینش، همانند حاکم هستند و انسانند (حرانی، ۱۳۹۵، ص ۴۲۷). اعمال اجرای قانون نسبت به حقوق دیگران، خشونت مذموم نیست. نادیده گرفتن تضییع حقوق اکثر مردم، و تسامح برابر آنانی که امنیت جان، مال، ناموس، وحدت مردم و طبقات مختلف را تهدید نموده‌اند، خود ظلمی فاحش است، که اسلام آن را نمی‌پذیرد؛ آن مقوله اعمال و اجرای قانون نسبت به متجاوزان به حریم وحی است، که در واقع عین عدالت است (مفید، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۳).

تربیت‌یافتگی اقتصادی

یکی دیگر از شاخص‌های مهم تربیت‌یافتگی شخصیت مورد پژوهش، توجه به رفاه مادی مردم است. این شاخصه اصلی دربرگیرنده ویژگی‌هایی چون تنظیم قراردادها و معاملات، بازرگانان و تولیدکنندگان، کمک مالی در تأمین وسایل زندگی مردم، جلوگیری از اجحاف و احتکار است. امام علی (علیه السلام) در عهدنامه مالک اشتر، ضمن آنکه بر نقش مهم بازرگانان و صنعتگران تأکید، و آنان را مایه‌های منفعت و پدیدآورندگان وسیله‌های آسایش و راحت می‌داند؛ سود حاصل از تلاش آنان را مایه برپایی بازارها قلمداد می‌کنند، وی می‌فرماید: «و با این همه بدان که میان بازرگانان،

بسیار کسانی که معاملتی بد دارند، بخیلند و در پی احتکارند، به دنبال سود خود هستند، کالا را به هر بها که خواهند می‌فروشند و این سودجویی و گرانفروشی زبانی است بر همگان؛ عیبی است بر والیان. پس باید آنان را از احتکار منع نمود، که رسول خدا ﷺ از آن منع فرمود. باید خرید و فروش آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد. با نرخ‌های -رایج بازار- نه به زیان فروشنده و نه خریدار. آنکه پس از منع تو، دست به احتکار زند، او را کیفر ده و عبرت دیگران گردان و در کیفر او اسراف مکن» (نهج البلاغه نامه ۵۳).

تربیت‌یافتگی اجتماعی

تربیت‌یافتگی اجتماعی، بُعد دیگر شخصیت رشدیافته و زیست اجتماعی مالک اشتر است که او را مقتید به تعاون، تعامل و همکاری کرده بود. این بُعد شخصیت ایشان، واجد خصلت‌های اجتماعی‌ای چون توجه به درخواست مردم، ارتباط مستقیم با آنها، رسیدگی به امور کوچک و بزرگ آنها و ... است.

آن حضرت خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «هیچ‌گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار، که پنهان بودن رهبران نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه می‌باشد. پنهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است، باز می‌دارد. پس کار بزرگ، اندک، و کار اندک، بزرگ جلوه می‌کند؛ زیبا، زشت، و زشت، زیبا می‌نماید؛ باطل به لباس حق در آید. همانا زمامدار آنچه را که مردم از او پوشیده دارند، نمی‌دانند، و حق را نیز نشانه‌ای نباشد تا با آن راست از دروغ شناخته شود؛ تو به هر حال، یکی از آن دو نفر می‌باشی: یا خود را برای جان‌بازی در راه حق آماده کرده‌ای، که در این حال، نسبت به حقّ واجبی که باید بپردازی، یا کار نیکی که باید انجام دهی، ترسی نداری؛ پس چرا خود را پنهان می‌داری؟؛ یا مرد بخیل و تنگ‌نظری هستی، که در این صورت نیز مردم چون تو را بنگرند، مأیوس شده، از درخواست کردن بازمانند. با اینکه بسیاری از نیازمندی‌های مردم، رنجی برای تو نخواهد داشت (تو را به مشکلی نمی‌اندازد)؛ (چون یا) شکایت از ستم دارند و رفع آن را از تو می‌خواهند؛ یا خواستار عدالتند؛ در خرید و فروش، خواهان انصافن» (سلوک‌لایی، ۱۳۸۴، ص ۱۷).

تربیت‌یافتگی عقلانی

یکی دیگر از شاخص‌های مهم تربیت‌یافتگی عقلانی شخصیت مورد پژوهش، اندیشه‌ورزی، شناخت و بصیرت است. این شاخصه‌های اصلی دربرگیرنده ویژگی‌هایی چون دوراندیشی، تعقل، درایت، گفت‌وگو با اندیشمندان و حکیمان، قدرت تفکر بالا و ... است.

حضرت به مالک اشتر می‌فرماید: «سپس در امور کارمندان بیندیش، پس از آزمایش و براساس کارایی، مهارت و سایر ویژگی‌های افراد در هنگام پذیرش مسئولیت، به کارشان بگمار؛ با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران، آنان را به کارهای گوناگون وادار نکن، زیرا این نوعی ستمگری و خیانت است». نکته دیگری که در این فراز از نامه آمده، آن است که مشورت در هر کاری لازم است، به خصوص در گزینش. به خاطر حساسیت موضوع، هرگز نباید نظرها و سلیقه‌های شخصی، ملاک قرار گیرند. اصولاً انتخاب افراد براساس مشورت سه فایده دارد:

الف) اگر انتخاب شخص طبق نظر و صلاحدید چند نفر باشد، ضریب صحت گزینش را بالا می‌برد.

ب) گزینش افراد براساس مشورت و به صورت شورایی، امکان گزینش افراد فرصت‌طلب و نفوذی را منتفی می‌کند.

ج) در گزینش شورایی، همه اعضای گزینش، لزوماً خود را موظف به همکاری همه جانبه با فرد گزینش شده می‌بینند.

امام علی به مالک اشتر می‌فرماید: جهاد با دشمنان است. دشمنان دین همواره در کمینند تا از هر فرصتی استفاده نمایند؛ ضربات خویش را بر پیکره حکومت اسلامی وارد کنند و آن را ناتوان نمایند. از این رو، همه مردم باید هوشیار باشند و در رأس همه، حاکم و کارگزاران، نقش و مسئولیت سنگین‌تری دارند؛ چراکه آنان در حکم دیده‌بان هستند و از افقی برتر حقایق و واقعیات را می‌بینند، چون همواره باید کوچک‌ترین حرکت دشمن را ببینند تا مردم را نیز آگاه نمایند و خود را در مقابله با دشمن آماده سازند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

تربیت عاطفی

از دیگر ساحت‌های تربیت‌یافتگی شخصیت و منش مالک اشتر، فرهیختگی و تربیت‌یافتگی ایشان در ساحت عطف و مهربانی و اعتدال در امیال است. در این بُعد، ساحت‌های اصلی دربرگیرنده ویژگی‌هایی چون عدم خودپسندی و تسدروی و بخل، داشتن اعتدال در ادای واجبات و مهربانی است.

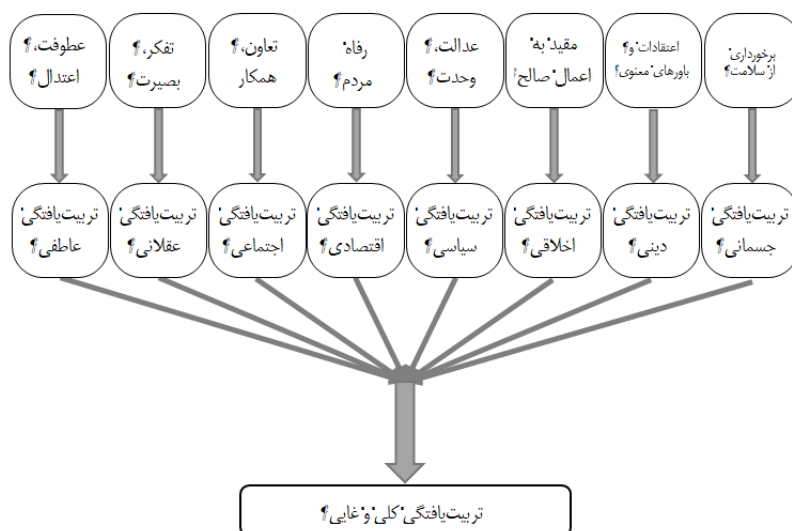
در منطق اسلام، حاکم باید به مردم نگاهی از روی مهربانی و عطف داشته باشد. اگر حاکم، نسبت به مردم این نگاه را داشته باشد، از انحرافات و فسادهای حکومتی در اجتماع جلوگیری می‌شود؛ چون برخورد آنها با مردم به مهربانی و عطف انجام می‌گیرد و این نگاه، دیگر اجازه ظلم، تجاوز و تعدی به حقوق مردم را به آنها نمی‌دهد و کار مردم به سرانجام می‌رسد (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۴۰۷)؛ چنان‌که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مالک اشتر می‌فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته‌ای دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند. اگر گناهی از آنان سر می‌زند، یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان‌گیر؛ آن‌گونه که دوست داری خدا تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد. همانا تو از آنان برتر، امام تو از تو برتر، و خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر داد، والاتر است، که انجام امور مردم مصر را به تو واگذارده و آنان را وسیله آزمودن تو قرار داده است» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ نیز پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «امامت و رهبری شایسته نیست، مگر برای انسانی که سه خصلت داشته باشد: ورعی که او را از معصیت خدا دور نگه دارد، بردباری که غضبش را نگه دارد و نیکو ولایت کردن به کسانی که تحت ولایت او هستند تا برای آنان مانند پدر باشد (برای فرزندان)» (کلینی، ۱۳۸۸، ص ۴۰۷).

بنابراین با توجه به تفسیر یافته‌های مذکور، مالک اشتر در ابعاد مختلف تربیت‌یافتگی، تمام این مؤلفه‌ها را در سرشت خود که به صورت بالقوه بوده است، پرورانده و به منصف ظهور رسانده است؛ در تمام این مؤلفه‌ها همچون: تقوا، عبادت همچون: نماز، هدایت، خشنودی خدا، پیروزی، پاداش الهی سعادت، شهادت؛ که به‌طور ضمنی بیان شده است، منجر به این شده تا ایشان به هدف غایی و کلی؛ رشد و هدایت، تقوا، عبادت، طهارت و حیات طیبه و قرب رضوان برسد؛ تا به‌عنوان الگویی الهام‌بخش چگونگی تربیت حاکمان و زمامداران در جامعه اسلامی-ایرانی ما باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهشگران در جداول مذکور، می‌توان گفت: دیدگاه تربیتی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه ریشه در آموزه‌های تربیتی قرآن کریم دارد. این دیدگاه، برخوردار از الگوی تربیتی است که دارای مؤلفه‌های منحصر به خود می‌باشد. مالک اشتر یکی از اصحاب به‌نام و مشهور امام علی (علیه السلام) است، که هم در بعد شناختی و هم در بعد عملی، متأثر از این الگوی تربیتی بوده و شخصیت او بر اساس همین الگو شکل گرفته است. در این مقاله، مؤلفه‌های شخصیتی مالک اشتر براساس منبع اصلی نهج البلاغه و کتب تاریخی مرتبط استخراج شده، سپس به صورت یک مدل نمودار مفهومی

ارائه گردیده است. در جدول ۳، مؤلفه‌های مربوط به تربیت‌یافتگی شخصیتی مالک اشتر در ابعاد مختلف (جسمانی، دینی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، عقلانی، عاطفی) آورده شده است و همه این مؤلفه‌ها، در راستای اهداف کلی و غایی تربیت، قرار گرفته‌اند؛ همچنین، روش پژوهش؛ کیفی و به صورت روش تحلیل مضمون و شبکه معانی، می‌باشد. نتایج پژوهش که در جدول‌های سه‌گانه بیان شده‌اند، با دیدگاه‌های اندیشمندان تربیتی؛ از جمله: استاد مطهری و خسرو باقری در انطباق است. استاد مطهری می‌نویسد: «انسان کامل کسی است که همه ارزش‌های انسانی در حد اعلی و به‌طور هماهنگ در او رشد کرده است» (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳). خسرو باقری می‌نویسد: هدف کلی و غایی تربیت‌یافتگی؛ هدایت - تقوا - عبادت و عبودیت - طهارت و حیات طیبه - قرب و رضوان الهی می‌باشند (باقری، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۷۵). بنابراین، پرورش و به‌فعلیت رساندن استعدادها در ابعاد مختلف شخصیت و رسیدن به مرتبه اشرف مخلوقات و انسان کامل شدن می‌تواند زمینه‌فایز بودن آدمی و متربّی را در همه ابعاد و جوی فراهم سازد (دادجو، ۱۳۸۸، ص ۳۰-۳۱)؛ از این رو، پیروی از الگوهای تربیت‌یافته قرآنی در همه ابعاد وجودی چون مالک اشتر به استناد دیدگاه و اندیشه امام علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه می‌تواند الهام‌بخش مربیان و متربّیان در مسیر دشوار تربیت‌یافتگی باشد. چنانکه به نظر می‌رسد، یکی از مشکلات اساسی امروز تعلیم و تربیت، برخوردار نبودن از این‌گونه الگوهای تربیتی است؛ از این رو، اهمیت نتایج این مقاله در این است که درصدد ایجاد دغدغه در افراد و مسئولان تعلیم و تربیت نسبت به این‌گونه الگوهای تربیت‌یافته و تأکید بر عملیاتی نمودن الگوگیری از آنها در فرایند تعلیم و تربیت است.



شکل (۱). شمای ابعاد تربیت‌یافتگی شخصیت مالک اشتر

منابع

* قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید معتزلی، عبد الحمید بن هبه الله (۱۳۹۴)، ترجمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی، ج ۲، ج ۶، ج ۱۵، ج ۱۶، ج ۲۰، ترجمه غلامرضا لایقی، تهران: انتشارات کتاب نیستان.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۷۴)، تاریخ کامل، ج ۲، ترجمه حسین روحانی، تهران: انتشارات اساطیر.
۳. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (۱۳۹۳)، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. امینی، عبدالحسین (۱۳۹۱)، الغدير في الكتاب و السنه و الادب، ج ۹، ترجمه جلال الدین فارسی، تهران: انتشارات بنیاد بعثت.
۵. باقری، خسرو (۱۳۹۵)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه).
۶. باقری، مسلم و علی اصغر مباشری (۱۳۹۸)، «شناسایی ویژگی‌های کارگزاران با استعداد از منظر امام علی (علیه السلام) (با تأکید بر ویژگی‌های مالک اشتر)»، نشریه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال ۹، ش ۲ (پیاپی ۱۹)، ص ۵-۲۰.
۷. ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال (۱۳۷۴)، الغارات، ج ۱، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. حرانی، ابو محمد (۱۳۹۵)، تحف العقول عن آل رسول (علیه السلام)، ترجمه احمد جنتی، تهران: انتشارات شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۹. حکیم، محمدرضا (۱۳۸۵)، مالک اشتر، قم: انتشارات مکتبه الحیدریه.
۱۰. دادجو، یدالله (۱۳۸۸)، «امامت در آینه انسان کامل، انتظار موعود»؛ فصلنامه علمی-تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، ش ۳۰، ص ۲۶-۴۳.
۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹)، منظر مهر: مبانی تربیت در نهج البلاغه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. دهقان، محمدحسن (۱۳۸۷)، شخصیت مالک اشتر «او که بود و چه کرد؟»، تهران: دانشگاه صنعتی مالک اشتر.

۱۳. رستمی نسب، عباسعلی (۱۳۹۷)، تعلیم و تربیت در نهج‌البلاغه، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۱۴. سلوک‌لایی، فلاح (۱۳۸۴)، سیمای کارگزاران دولت اسلامی از منظر امام علی (علیه السلام)، ادیان، مذاهب و عرفان: معرفت، قم: نشریه موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (علیه السلام)، شماره ۹۳ (ISC)، ص ۱۰۲-۱۱۸.
۱۵. سید رضی، محمدبن حسین بن موسی (۱۳۸۷)، نهج‌البلاغه، ترجمه علی دوانی، انتشارات، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.
۱۶. طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۹)، تاریخ طبری «تاریخ الرسل و الملوك»، ج ۴، ج ۶، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات: اساطیر.
۱۷. عابدی جعفری و همکاران (۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، نشریه علمی-پژوهشی وزارت علوم دانشگاه امام صادق (علیه السلام)؛ اندیشه مدیریت راهبردی سال پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، ص ۱۵۱-۱۹۸.
۱۸. العسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر (۱۴۱۵ق)، الإصابه فی تمییز الصحابه، ج ۵، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۹. علوی لنگرودی، سید کاظم (۱۳۹۱)، تربیت عقلانی در نهج‌البلاغه، انتشارات: دانشگاه یزد.
۲۰. قندی، محمد امین (۱۳۹۵)، مالک اشتر، تهران: انتشارات طوی.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، اصول کافی، ج ۸، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. گراوند، سعید (۱۴۰۰)، «منظومه فکری و سلوک معنوی شهید سلیمانی»، دانشگاه جیرفت: نخستین همایش بین‌المللی علمی و فرهنگی تاریخ و ادبیات پایداری در مکتب حاج قاسم، ص ۱-۱۳.
۲۳. المجلسی، محمدباقر (بی تا)، بحار الانوار، ج ۷۷، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۴۲۱ق)، موسوعه الامام علی بن ابیطالب فی الكتاب و السنه و التاريخ، قم: مؤسسه دارالحدیث العلمیه و الثقافیه.
۲۵. مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۴)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، محقق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، مصر: مکتب التجاریه-الکبری.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، انسان کامل، تهران: انتشارات صدرا.

۲۷. مفید، ابوعبداله محمدبن محمد بن نعمان (۱۳۹۴)، نبرد جمل، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
۲۸. مفید، محمدبن محمد مفید (۱۳۹۰)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۱، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، انتشارات تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۹. المنقری، نصرین مزاحم (۱۳۸۲)، وقعه صفین، تحقیق و شرح عبدالسلام محمد هارون، قاهره: المؤسسة العربیه الحدیثه.
۳۰. یعقوبی، احمدبن اسحاق (۱۳۸۹)، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ناشر: انتشارات علمی و فرهنگی.